برشی از روزنامه‌ها

ما از ایران قوی می‌ترسیم

روزنامه جام‌جم در یادداشتی با اشاره به حضور اوباما در «الازهر» مصر به عنوان شناخته‌شده‌ترین مجتمع آموزش دینی در میان مسلمانان آفریقا و خاورمیانه، پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری امریکا تا این پیام را منتقل کند که افراد کاخ سفید هستند که سرنوشت «خاورمیانه» را تعیین خواهند کرد، نوشت: «کلیددار کاخ سفید» در آن زمان، لبریز از نگرانی‌های پایان‌ناپذیر بود... نگرانی از استراتژی‌های گسترش «خط مقاومت» در سرتاسر خاورمیانه و فروپاشی سیستم‌های دفاعی امریکایی‌ها و غربی‌ها از «اسرائیل بی‌ریشه و تاریخ و هویت» و البته از منافع درجه اول تمدن غرب، در سرتاسر خاورمیانه...

بنابراین «اوباما»، با یک دنیای ترس‌آلود مواجه بود و نتوانست در طول هشت سال ریاست بر کاخ سفید، سیستم دفاعی امریکایی‌ها را در منطقه نگهداری کند و نگذارد «خط پیچیده و پیش‌رونده مقاومت، در خاورمیانه به پیشروی خویش ادامه دهد.» تولید پرخرج و پرهزینه و پرخون «گسترش بنیادگرایی افراطی» به نام «داعش» هم نتوانست به داد «اوباما» و «پادشاهی عربستان» برسد و... از ترس‌های زیادشونده و نگرانی‌های کشنده آنها بکاهد...

و هم اینک که «کلیددار جدید کاخ سفید» با رئیس‌جمهور فرانسه، بیانیه مشترک شگفت‌آفرین درباره «ایران قوی» صادر می‌کنند، حقیقتی نیست مگر اینکه بگوییم نگرانی‌های غرب و «اوباما» به اوج تکامل خویش رسیده و تبدیل به یک «ترس بزرگ» و یک «بیم پردامنه» در دل قدرتمندان و سیاست‌سازان تمدن غرب گشته است! همان‌گونه که تاریخ نشان داد: گردن‌کشی سیاسی «اوباما» در قاهره، هیچ به سود سیاست‌های سنتی و تاریخی غرب و امریکایی‌ها نبوده و زوال و بیچارگی آنها را مضاعف کرد. گردن‌کشی دونفره «مکرون» و «بایدن» هم در کاخ سفید، به زوال و بیچارگی بیشتر آنان و همه قدرت دفاعی تمدن غرب در منطقه خاورمیانه خواهد انجامید و سرانجامی جز «تسلیم» و «تسلیم بیشتر...» در برابر خط پرهیجان و پرشور مقاومت نخواهند داشت. تمدن غرب و رهبران پرسروصدای آن، اینک در ایستگاه «ترس بی‌پایان» از «ایران قوی» و «مقاومت قوی‌تر» نشسته‌اند و هیچ امیدی برای نجات بادبان‌های شکسته و کشتی درهم‌شده منافع و قدرت خویش ندارند.

دورویی و تزویر مدعیان حقوق بشر

روزنامه وطن‌امروز در یادداشت خود استانداردهای دوگانه مدعیان حقوق بشری را مورد توجه قرار داد و نوشت: امروز برای افکار عمومی دنیا و مقامات کشورهای مختلف این حقیقت روشن است که حقوق بشر به ابزاری برای رسیدن به اهداف و اغراض سیاسی امریکا و غرب تبدیل شده است، به گونه‌ای که هر کشوری که با امریکا و برخی کشورهای اروپایی همراهی نکند و تابع آنها نباشد، به نقض حقوق بشر محکوم می‌شود. نویسنده اضافه کرده است: امریکای مدعی حقوق بشر دهه‌هاست علیه ایران اقدامات ضدحقوق بشری انجام می‌دهد. تاکنون به دلیل تحریم‌های یک‌جانبه امریکا و غرب و به تبع آن کمبود دارو و تجهیزات پزشکی جان بسیاری از زنان، مردان و کودکان به خطر افتاده و حتی برخی بیماران جان خود را از دست داده‌اند و همین موضوع نشان می‌دهد اساساً جایی برای گفت‌وگوهای حقوق بشری توسط غرب و امریکا باقی نمانده و آنها خود ناقض حقوق بشر و جنایت علیه بشریت هستند.

نکته دیگر اینکه در حوادث اخیر شاهد بودیم مدعیان حقوق بشر با حمایت از گروه‌های تروریست و تجزیه‌طلب موجب شهادت تعدادی از هموطنان ما شدند که نمونه آن را در حرم مقدس حضرت شاهچراغ در شیراز، مشهد، ایذه، اصفهان و برخی شهرهای استان کردستان شاهد بودیم. این گروه‌های تروریستی با سلاح جنگی به مردم بی‌گناه حمله کردند و جان تعدادی از هموطنان از جمله زنان و کودکان را گرفتند.

جنایت هولناک لاهیجان را چه کسانی رقم زدند؟

روزنامه کیهان در یادداشت پنج‌شنبه خود به واکاوی علل وقوع جنایت هولناک ۱۲آبان گذشته در لاهیجان که طی آن ۱۷ یا ۱۸ نفر که غالباً نوجوانان ۱۶ و ۱۷ساله بودند و به همراه یک خانم معلم وارد خانه یک مأمور پلیس شده، او را جلوی زن و فرزندش به شکل وحشیانه‌ای سلاخی کردند، پرداخت و نوشت: در بین قاتلان، چند دختر و پسر هستند که وقتی در حال توضیح حادثه‌اند، به اقتضای سن کمی که دارند، به خوبی نشان می‌دهند، نه تحلیلی از سیاست دارند، نه از اقتصاد و فرهنگ چیز زیادی می‌فهمند و در عمر کوتاه‌شان چه‌بسا حتی یک مرغ را هم نکشته باشند. سؤال این است: چطور ناگهان ۱۷ نوجوان که به احتمال زیاد هیچ سابقه جنایی ندارند، در اولین تجربه خود این‌طور وحشی می‌شوند؟ این ۱۷ یا ۱۸ نفر که گفته می‌شود اصلاً یکدیگر را نمی‌شناختند، چگونه یکدیگر را پیدا کرده و در راهِ هم قرار می‌گیرند و به طور دسته‌جمعی به سمت قربانگاه حرکت می‌کنند؟

نویسنده ریشه این همه خشونت را در «تکنولوژی رسانه» خلاصه کرده و نوشته است: فضای مجازی در ایران به دلیل برخی کوتاهی‌ها و حتی خیانت‌ها سال‌ها رها و وِل بوده و اثرات مخرب برخی عقب‌ماندگی‌ها در این حوزه مدت‌ها باقی خواهد بود. چه خوش‌مان بیاید چه نه، جریان‌های سیاسی وابسته‌ای در این کشور تنفس می‌کنند که ادامه حیات سیاسی‌شان به حاکم بودن چیزی شبیه همین وضع طبیعی در «فضای مجازی» گره خورده و در چنین فضایی است که می‌توان، امرهای اجتماعی ترسناکی به شکل کاملاً مصنوعی و زورکی خلق کرد و عده‌ای کم‌خرد ولو قلیل را تبدیل به قاتلانی کرد که به راحتی به جان و مال و ناموس مردم تعرض می‌کنند. جالب است که بخش مهم این سوءاستفاده از تکنولوژی رسانه، از سوی همین کشورهایی صورت می‌گیرد که برای رسانه‌های خود قوانین سفت و سخت وضع کرده‌اند. رسانه‌های فارسی‌زبان لندن و تل‌آویونشین طی دوونیم ماهی که گذشت، هیچ قانونی در حوزه رسانه نبوده که در مواجهه با کشورمان، زیرِ پا نگذاشته باشند. از ترویج علنی «پلیس‌کشی» تا آتش زدن مساجد و... را علناً ترویج و تشویق کردند.

«دانشجو» دیده‌بان حقوق ملت

روزنامه آرمان‌امروز در یادداشتی با تأکید بر اینکه دانشجو همواره به عنوان دیده‌بان حقوق ملت شناخته می‌شود، نوشت: اعتراضات سالیان گذشته دانشجویان ایرانی، هرگاه در راستای مطالبات عمومی و همراهی با مردم و به نیت اصلاح امور و ممانعت از یک‌جانبه‌نگری و مخالفت با استبداد و استعمار و استکبار و بیداد زمان بوده به توفیقات خوبی دست یافته است. نظیر جنبش خونرنگ دانشجویان پیرو خط امام(ره) در سال‌های آخر به پیروزی رسیدن نهضت مردمی ایران به رهبری امام خمینی که در ۲۲بهمن ۵۷ به ثمر نشست و پس از آن لانه جاسوسی و فساد امریکا را به اشغال خود درآوردند اما آنجا که این اعتراضات رنگ و بوی صرفاً سیاسی به خود گرفته و نقدها و پرسشگری‌هایی که به نام دانشجو انجام و به کام ضدانقلاب داخل و خارج از کشور می‌شود، شکست می‌خورد. جنس اعتراض دانشجویان هم از جنس شفافیت و روشنگری، مطالبه‌گری و آرمانخواهی است و لذا بر عموم مدیران دانشگاهی و تمامی استادان دانشگاه‌ها، مدیران اجرایی و نخبگان اجتماعی است تا کلام دانشجو را به خوبی بشنوند و خواسته‌های مشروع و دلسوزانه‌اشان را آویزه گوش خود کرده و تا حد ممکن برآورده و نظر و دیدگاه‌شان در مسیر اصلاح امور کشور را به ارکان بالادستی کشور و حاکمیت منتقل کنند تا مبادا این عنصر پاک و بی‌آلایش که هدف نهایی‌اش ارتقا و سربلندی وطن عزیز است، از همه جا و از همه کس مأیوس و نومید گردد.

گزارش یک

اعتراض‌ها چگونه به اغتشاش‌ها تبدیل شد؟

اعتراضات شهریورماه در بسیاری از شهرهای کشور به اغتشاش و خرابی اموال و جان‌باختن برخی شهروندان انجامید. این حرکت که ابتدا جنبه اعتراضی داشت، با حمایت براندازان خارجی و رسانه‌های لندن‌نشین، رنگ و بویی دیگر یافت و از مسیر خود منحرف شد و نشان داد دشمنان شناخته‌شده جمهوری اسلامی مترصد فرصتی هستند تا آرامی‌ها را به درون کشور منتقل کنند.

به گزارش ایرنا، اعتراضاتی که به بهانه درگذشت مرحوم مهسا امینی در روزهای پس از فوت وی در ۲۵شهریورماه به وجود آمد، هر چه گذشت به اغتشاش برنامه‌ریزی‌شده تبدیل شد که هر شخصیت حقیقی و حقوقی از سراسر جهان ادعای لیدری آن را داشته یا به آن نسبت دادند؛ از علی کریمی بازیکن سابق فوتبال و اینفلوئنسر کنونی توئیتر و اینستاگرام گرفته تا رضا پهلوی، مسیح علی‌نژاد و حامد اسماعیلیون که هر یک یا به طور واضح مدعی رهبری این جریان شدند یا به طور تلویحی لیدری جنبش به آنها نسبت داده شد.

اعتراضات اخیر در روزهای نخست در پی اخباری مبنی بر ضرب‌وشتم مهسا امینی از سوی نیروی انتظامی آغاز شد؛ اخباری که هیچ وقت تأیید نشد اما به دلیل عدم‌فضاسازی‌های رسانه‌ای و عدم‌تحلیل و بررسی درست و کامل ماجرا از سوی رسانه‌های داخلی به بحرانی پرچالش و ادامه‌دار تبدیل شد؛ بحرانی که هر چه گذشت از اصالت و مردمی بودن آن کم و از اعتراض، منحرف و به اغتشاش بدل شد. در ادامه برخی مواردی که این جنبش اعتراضی را به جریانی آشوب‌طلبانه بدل کرد، به صورت اجمالی مطرح شده است.

۱) شعارهای هنجارشکن و رکیک

شاید در تاریخ جنبش‌های اعتراضی بعد انقلاب در ایران این حجم از شعارهای هنجارشکن و رکیک بی‌سابقه باشد؛ شعارهایی که با نسبت دادن ویژگی‌های آوانگارد و پیشرو به نسل دهه هشتادی یا نسل زِد(Z)، سعی در عادی جلوه‌دادن آن شد اما نگاه ویژه جامعه‌شناسان و کارشناسان فرهنگی به این موضوع سبب انتقاد طیف مختلفی از نخبگان جامعه به این جنبش شد. نسبت دادن این شعارها به شخص رهبری امری بی‌سابقه در جریان‌های اعتراضی پیش از این بود که نه تنها پرده‌های اخلاق و بی‌ارزشی را دریده بود بلکه باعث کناره‌گیری بخش‌های بااصالت‌تر و اخلاقی جامعه (نه لزوماً دینی‌تر و طرفداران نظام) از این جنبش شد.

۲) جنبش بی‌رهبر

یکی دیگر از انتقادهایی که به طرفداران این ناآرامی‌ها از معترضان تا آشوبگران نسبت داده می‌شود، نداشتن رهبر واحد است که علاوه بر اینکه برنامه‌ها و حرکات اعتراضی آنها بی‌نتیجه بماند، سبب شده است افراد مختلفی از اپوزیسیون خارج کشور ادعای رهبری این جمع را داشته باشند و همین بی‌رهبری یا چند رهبری باعث انشقاق و نامنسجم شدن این جنبش شده است. با وجود این، برخی از حامیان این جنبش، نداشتن رهبر را ویژگی اصلی و امتیاز این جریان اعلام و از بی‌رهبری آن ابراز رضایت کرده‌اند!

۳) هتک حرمت به اماکن و اشخاص مذهبی

بی‌احترامی و بی‌توجهی به مذهب به عنوان یکی از ریشه‌ای‌ترین سنن و فرهنگ‌های ایرانیان در سده‌های اخیر، از دیگر اشتباه‌های رایج این جنبش بود که در شکل‌های مختلف ظهور پیدا کرد. آتش‌زدن قرآن و بانک‌ها و همچنین انداختن عمامه روحانیت و کشیدن چادر و حجاب زنان محجبه از دیگر اشتباه‌های استراتژیک این جریان بود که باعث بدنامی آنها در طیف منتسب به مذهبی و سنتی شد. اگر چه برخی از این اقدامات نسبت داده شده به معترضان از سوی آنها تکذیب شده اما در هر حال رفتارهای افراط‌گونه این جریان با طیف مذهبی و سنتی، اقدامی منسوب به این جریان است که تأیید این رویه رفتاری بیشتر منطقی به نظر می‌رسد!

۴) ضرب‌وشتم پلیس و نیروی انتظامی

حمله به نیروهای پلیس به عنوان حافظان امنیت کشور و همچنین دوره‌کردن و ضرب‌وشتم این اشخاص که جدا از نگاه سیاسی، فقط به وظیفه خود یعنی تأمین امنیت کشور عمل کرده‌اند، علاوه بر بی‌انصافی و تعدی شخصی به این افراد، سبب کاهش دیسیپلین (جایگاه) نیروهای انتظامی کشور و پرنسیب (شخصیت) پلیس می‌شود که در هر حال و با آرام گرفتن این فضا، بار دیگر محافظت از امنیت مردم بر عهده آنها خواهد بود. حال پرسش این است که چگونه می‌توان در چشم افرادی که به عنوان پلیس، وجهه آنها را خدشه‌دار کرده‌ایم، نگاه کنیم و انتظار محافظت از اموال، نوامیس و امنیت‌مان را از آنها داشته باشیم؟

۵) هشتگ‌سازی و جریان مشکوک مجازی

تبلور این رفتارهای جعلی و غیرطبیعی در هشتگ مهسا امینی در توئیتر فارسی صورت یافت. ادعای ترند شدن این هشتگ با حدود ۳۵۰میلیون توئیت و ریتوئیت ادعایی که رسانه سعودی ایران اینترنشنال مدعی اصلی آن است، در حالی است که بررسی‌های داده‌کاوی از نظر میزان و روند انتشار مطالب به طور طبیعی، این ادعا را رد کرده و حضور اکانت‌های جعلی و ناشناس و حمایت روباتیک را در این فضاسازی دخیل می‌داند.

۶) ظهور و بروز چهره‌های نامحبوب و حمایت‌های مالی و معنوی مشکوک

همان‌گونه که اشاره شد، افراد زیادی قصد مصادره و نسبت‌دادن این جریان به خود یا افراد حامی خود را داشتند که این امر علاوه بر انشقاق جریان، سبب چنددستگی در این جنبش شده است. علاوه بر آن ظهور چهره‌های نامحبوبی چون خاندان پهلوی، مسیح علینژاد و مجاهدین سبب شده است بخش مهمی از حامیان اعتراض‌ها عطای همراهی این جریان را به لقای آن ببخشند. علاوه بر این حجم بالای رسانه‌های حامی این جریان از هماهنگی جهانی تا حضور سلبریتی‌های ایرانی و غیرایرانی خارج از کشور از پولپاشی و هزینه‌های سرسام‌آور و مشکوک حکایت دارد که بدون هیچ شک و شبهه‌ای کمر به سقوط و براندازی جمهوری اسلامی بسته‌اند و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند.

۷) غلبه هیجان و ماجراجویی به جای منطق و آرمان‌خواهی

محوریت زنان و نوجوانان دهه هشتادی به عنوان یکی از اصلی‌ترین بخش‌های بدنه مردمی اعتراض‌ها، به علاوه برخی ویژگی‌های مثبت از جمله مطالبه‌گرایی جدی زنانه و جسارت بی‌شائبه نوجوانانه باعث شده است میزان هیجان و احساس جنبش بیش از اندازه باشد و اهداف آرمان‌خواهانه و آزادیخواهانه آن که در منطق و مبانی فکری و عقیدتی معترضان جای می‌گیرد، از این جنبش تا حدزیادی رخت ببندد و جای خود را به هیجان، قهرمان‌بازی و حتی ماجراجویی‌های زودگذر بدهد. ناگفته پیداست چنین ویژگی‌هایی به طور مطلق به ادامه اعتراض‌ها و به نتیجه رسیدن آن ضربه خواهد زد!

علاوه بر این موارد، برخی تحرکات جنسی منتسب به این جنبش مطرح شده است که شاخص‌ترین آن عریان شدن نیلوفر فولادی در حرکت اعتراضی در کشور هلند بود که به دلیل برخی حواشی پیش‌آمده درباره سابقه وی و اخبار ضدونقیض در این رابطه از تحلیل جداگانه این مورد گذر کردیم.

■ سخن نهایی، وظیفه حاکمیت، وظیفه مردم

حاکمیت به عنوان یکی از طرفین این جنبش می‌تواند نقش مهمی را در کاهش التهاب و همراهی و همدلی با مردم معترض و داغدار ایفا کند. گفت‌وگوی صادقانه با مردم و رفع جدی مشکلات اقتصادی و معیشتی در کنار برخورد با عوامل خاطی و مسئولان بی‌انضباط و قانون‌گریز از جمله تمهیدات اولیه و پیشنهادی به دولت سیزدهم و نظام است که می‌تواند باعث جلب نظر مردم و افزایش اعتماد عمومی شود. مردم باید خاستگاه خود را به طور واضح مشخص کنند، زیرا صف معترضان و اغتشاشگران همواره فاصله‌ای بسیار نزدیک و گاهی غیرقابل تشخیص است و همواره مصادره‌کنندگانی هستند که قصد سوءاستفاده از اعتراض‌های بحق مردم ایران و منحرف‌کردن آنها به سمت اهداف خاص خود را دارند. از سوی دیگر، تداوم وضعیت موجود از نظر اقتصادی و معیشتی آسیب جدی به امنیت، اقتصاد و روان جامعه زده است، از این رو پیداکردن مسیر گفت‌وگو و مطالبه با حاکمیت شاید بهترین و تنهاترین راه‌حل در شرایط موجود باشد که نیاز به تعامل دو طرف دارد.

مخالفان داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران در اعتراض‌های شهریور ۱۴۰۱ نشان دادند خاستگاه و هدفی جز براندازی نظام ندارند و همه ظرفیت بالقوه خود را برای تجمیع حمایت‌های مالی و معنوی برای آسیب‌رساندن به نظام به کار می‌برند. در این میان رسیدن به منفعت حزبی و شخصی این افراد که به بهانه آزادی‌خواهی و مبارزه با دیکتاتوری مطرح شده از مهم‌ترین نکاتی است که باید در مواجهه با این افراد مورد توجه قرار داد. اصرار برای تجمع‌های خیابانی و ریختن خون زنان و مردان ایرانی در حالی که خود بر تخت عیش و راحتی نشسته و گاهی از سوی کارتل‌های سیاسی متفاوت حمایت می‌شوند، از جمله مواردی است که باید در ارتباط با طیف مخالفان نظام و حامیان رسانه‌ای و مالی آنها در نظر قرار گرفت.

گزارش ۲

برگزاری مراسم اربعین شهید آرمان علی‌وردی

یک دهه هشتادی فخر حوزه‌های علمیه تهران شد

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی: عده‌ای از ترس ریزش فالوور جهاد تبیین نمی‌کنند

همه دیدند یک دهه هشتادی با شهادتش چگونه بر قلوب تأثیر می‌گذارد و به فخر حوزه‌های علمیه تبدیل می‌شود.

آیین چهلمین روز شهادت شهید آرمان علی‌وِردی با سخنرانی حجت‌الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی و مرثیه‌خوانی منصور ارضی، حسین سازور و امیر عباسی در مسجد ارک برگزار شد.

■ «شهادت» آرمان این مردم است

حجت‌الاسلام قمی در ابتدای این مراسم با تأکید بر جریان داشتن یک جنگ تمام‌عیارِ ترکیبی علیه ملت ایران گفت: دشمنان خواستند مردم را در برابر مردم قرار دهند و با همه فشارهای خارجی کوشیدند، یک جنگ شهری تمام‌عیار درست کنند و این مردم بودند که صبوری کردند. متدینین و بسیجیان در این میان، شهید دادند تا خون ملت بیش از این روی زمین ریخته نشود.

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی به فشارهای مختلف و تلاش برای القای اعتصابات اجباری اشاره و تأکید کرد: تمام تلاش‌شان را کردند که بتوانند با این کارها، در دل مردم شک و تردید ایجاد کنند، اوباش را به میدان آوردند و جوان رعنای ما را به شهادت رساندند، غافل از اینکه شهادت، آرمان این مردم است و به قولِ حاج قاسمِ شهید، «این ملت، ملت امام حسین است.»

■ دوست داشتیم مراجع، علما و سران قوا بگویند...

قمی موضع انقلابی را لازمه فعالیت‌های مسئولان برشمرد و گفت: در این باره دوست داشتیم سران قوا، مراجع عظام و علمای اعلام سخن بگویند، اما اجازه بدهید درباره رهبر معظم انقلاب از قول حاج قاسم بگویم که پیروی از رهبری انقلاب را جزو اصول می‌دانست و تأکید کرده بود: «خامنه‌ای عزیز را عزیز جانتان بدارید و حرمت او را حرمت مقدسات بدانید.» من در یک جمله به حاج قاسم عزیز که دلداده حضرت زهرا(س) بود، می‌گویم: به حضرت زهرا(س) قسم، این سید را عزیزتر از جان‌مان می‌دانیم و خدا را شکر می‌کنیم که ایشان هر روز عزیزتر هستند.

■ از قوه قضائیه برای اجرای حکم یک آشوبگر ممنون هستیم

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی تصریح کرد: مردم پای این نهضت و این پرچم ایستاده‌اند، در حالی که اتفاقات اخیر در زمانی بود که مأمور به صبر بودیم اما ائمه کفر از روز خروش ملت امام حسین(ع) بترسند، البته امروز(دیروز) قوه قضائیه یکی از این اوباش محارب را قصاص کرد که از این بابت ممنونیم.

■ بی‌حرمتی به چادر زنان و عمامه روحانیون متدینین را نمی‌ترساند

این عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به برخی بی‌حرمتی‌ها به روحانیون تأکید کرد: خیال کرده‌اید طلبه‌ها با این جسارت‌ها میدان را خالی می‌کنند؟ شهید بهشتی، آن سید عزیز نهضت، آن همه ناسزا و تهمت شنید و شهید شد. بزرگان روحانیت مانند شهید مطهری، شهید مفتح، شهید باهنر، شهید محلاتی و شهید صدوقی در دوران حیات‌شان برای پاسداشت انقلاب و اسلام هزینه دادند و به درجه شهادت نائل شدند. حالا هم نوبت ما و نسل جدید طلبه‌هاست که پای این نهضت هزینه بدهیم. وی افزود: عده‌ای خیال کرده‌اند با بی‌حرمتی به چادر بانوان و عمامه روحانیون، می‌توانند دل متدینین را بلرزانند، اما دشمنان باید بدانند که لباس روحانیت کفن ماست و ما برای این مکتب حاضریم جان‌مان را تقدیم کنیم و در سربازی امام عصر اروحنا فداه سر به دار می‌خواهیم.

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی خدمتگزاری طلاب و روحانیون به مردم در مقاطع مختلف را برشمرد و گفت: افتخار و وظیفه روحانیت، خدمت خالصانه به مردم است. ماجرای کرونا را ببینید، سیل و زلزله را ببینید، تغسیل، مواسات و خدمات خالصانه در حاشیه شهرها و اقدامات جهادی در همین سال‌های اخیر را ببینید تا بدانید روحانیون و طلاب، افتخار خودشان را پیشتازی در خدمت و همراهی با مردم می‌دانند.

■ یک دهه هشتادی با شهادتش بر قلوب اثر گذاشت

وی به شهید آرمان علی‌وردی اشاره کرد و با تأکید بر اینکه خون شهید، ناموس الهی است و پایمال نخواهد شد، افزود: ملت ایران، فتنه بی‌وطن‌ها را با خون شهیدان جمع کرد، چون عاقبت فرزندان فاطمه(س) شهادت است. دوستان آرمان علی‌وردی از دعاهای او برای شهادت سخن می‌گویند و همه دیدند یک دهه هشتادی با شهادتش چگونه بر قلوب تأثیر می‌گذارد و به فخر حوزه‌های علمیه تهران تبدیل می‌شود.

■ عده‌ای از ترس ریزش فالوور قلم‌شان برای جهاد تبیین می‌لرزد

قمی در پایان حضرت صدیقه طاهره(س) را مجاهد بزرگ جهاد تبیین دانست و تأکید کرد: نه تنها بیانات و کلمات ایشان بلکه سلوک، رفتار و حیات ایشان بعد از سیدالمرسلین چنین بود. ایشان نه تنها در کلام نورانی‌شان، حتی در رفتارهای‌شان هم جهاد تبیین می‌کردند. از اینکه خانه به خانه ماجرای غدیر را به مردم یادآوری کنند، ابایی نداشتند از این اقدامات تا حتی دسته عزای ایشان که برای شهدای احد راه می‌انداختند، روشنگر بود. ایشان شجاعانه تبیین می‌کردند ولی امروز عده‌ای از ترس ریزش فالوور در شبکه‌های اجتماعی قدم و قلم‌شان می‌لرزد.

شهید آرمان علی‌وردی ششم آبان‌ماه در جریان اغتشاشات در غرب تهران با هجمه ناجوانمردانه اوباش، مورد شکنجه قرار گرفت و به درجه رفیع شهادت نائل شد.

یادداشت

حسین عبداللهی‌فر

۳ فرصتی که از دل اغتشاشات پدید آمد

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مردم اصفهان با اشاره به فرصت‌سازی ملت ایران از تهدید جنگ تحمیلی که برای همیشه نشان دادند «ملت ایران شکست‌ناپذیر است» در این اغتشاشات هم فرصت‌سازی کردند. از منظر معظم‌له سه فرصتی که از اغتشاشات توسط مردم ایجاد شده است عبارتند از:

الف) روشن شدن حقیقت ملت مسلمان ایران

به رغم تمرکز دشمن بر نبرد رسانه‌ای، عملیات روانی و فضاسازی اجتماعی، ملت ایران نشان داد نه تنها مقهور این جو قرار نگرفته است بلکه با بصیرت مضاعف دستان ناپاک دشمن در فریب فرزندان و زنان این کشور را می‌بینند. چنانچه تنفر خویش را با حضور ۱۲میلیونی در ۱۳ آبان نشان داد و در تشییع پیکر مطهر شهدای امنیت بیداری خویش را به نمایش گذاشت، این در حالی است که گزارشات طراحان اصلی اغتشاش گواهی می‌دهد دشمنان مردم ایران در طول دو ماه گذشته نتوانسته‌اند حتی ۲درصد این جمعیت خودجوش را به خیابان‌ها بکشانند.

بر اساس این گزارشات علت اصلی شکست غرب و شرط‌گذاری برای بازگشت به مذاکرات در همین راستا قرار دارد.

ب) ناکامی دشمن از همراه کردن مردم با خود

قصد دشمن این بود که مردم را وارد میدان کند، اما مردم نشان دادند با دشمن همراه نیستند. هر چند تلاش می‌کنند با بزرگنمایی و ضریب رسانه‌ای در حضور اغتشاشگران اغراق کنند اما خودشان می‌دانند که واقعاً مردم تا این لحظه همراهی نکرده‌اند. چیزی که روشن و آنچه انبوه است و نیاز به اغراق‌گویی ندارد، حضور مردم در خدمت انقلاب و در میدان‌های انقلاب است.

ج) شناخت چهره واقعی صحنه‌گردانان

عناصر اغتشاش‌آفرین به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی سه دسته‌اند: یکی فریب‌خوردگان، دوم پول‌بگیران، سوم طراحان اصلی که هم پول می‌دهند و هم برای فریب جوانان چهره واقعی خود را پنهان کرده و دوست مردم معرفی می‌کنند. چنانچه فرمودند: «صحنه‌گردان‌ها خودشان را طرفدار ملت ایران وانمود می‌کنند اما با همه خواسته‌ها و عقاید و مقدسات ملت ایران دشمنی کردند، با اسلام دشمنی کردند، مسجد سوزاندند، قرآن سوزاندند، با ایران دشمنی کردند، پرچم ایران را سوزاندند، به سرود ملی ایران بی‌احترامی کردند، چهره‌های اینها روشن شد. ادعا می‌کنند طرفدار ملت ایرانند، خب ملت ایران، ملت مسلمان است، ملت قرآن است، ملت امام حسین است. تو به امام حسین اهانت می‌کنی، بددهنی می‌کنی، بی‌حیایی می‌کنی، تو طرفدار ملت ایرانی؟ به اربعین اهانت می‌کنی، به راهپیمایی میلیونی اربعین اهانت می‌کنی، تو طرفدار ملت ایرانی؟»

ملت ایران وقتی به ماهیت صحنه‌گردانان اصلی پی بردند، متوجه شدند چرا به همه مقدسات اهانت می‌کنند؟ چراکه این صحنه‌گردان‌های اصلی عبارتند از:

۱) نظام سلطه به رهبری امریکای خبیث که در سند امنیت ملی خود به بی‌ثبات‌سازی در ایران اشاره کرد و پروژه تجزیه ایران را سال‌ها پیش تصویب کرده‌اند.

۲) بنیاد دفاع از دموکراسی امریکا که زیر نظر مستقیم رضا پهلوی برای از بین بردن عفت زنان و غیرت مردان سال‌ها مشغول فعالیت و برنامه‌ریزی هستند.

۳) ۱۱سرویس اطلاعاتی از کشورهای غربی و منطقه‌ای که طراح اصلی اغتشاشات اخیر می‌باشند.

۴) ۱۷پایتختی که میزبان سرویس‌ها و گروهک‌های تجزیه‌طلب بودند.

۵) سفارتخانه‌هایی که در جریان این اغتشاشات اقدام به جاسوسی کردند.

۶) فرشگردهایی که زیر نظر رضا پهلوی برای بازگرداندن رژیم منحوس طاغوت ۱۲راهبرد تخریبی و تروریستی را در دستور کار قرار داده‌اند.

۷) منافقینی که در دفاع مقدس نشان دادند برای رسیدن به اهداف خود به خیانتی علیه ملت ایران تن می‌دهند.

۸) گروه‌های تجزیه‌طلب پان‌کردی، پان‌ترکی، پان‌عربی و پان‌بلوچی که برای تحقق وعده‌های دروغین خود میلیاردها دلار دریافت کرده‌اند.

۹) شبکه رسانه‌ای وابسته به آل‌یهود و آل‌صعود که برای نیل به اهداف خود هزاران دروغ را مخابره کردند.

۱۰) اتباع کشورهایی که حاضرند در قبال دریافت پول به هر جنایتی دست بزنند.

۱۱) اراذل و اوباشی که توسط سرویس‌های عربی و عبری ساماندهی شده و مبالغ کلانی برای حمله به مأموران امنیت کشور گرفته‌اند.

۱۲) سلبریتی‌های وطن‌فروشی که بهای اندکی به مردم خیانت کرده و حتی حاضر به واگذاری صفحات فضای مجازی خود شدند؟

گزیده خبر

معاون اول رئیس‌جمهور:

نتایج اقدامات دولت به مرور ظاهر می‌شود

معاون اول رئیس‌جمهور با اشاره به فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی و توسعه حمل و نقل و ترانزیت در کشور گفت: دولت در این مدت با وجود تحریم‌ها و مشکلات پیش رو، اقدامات و کارهای بزرگی انجام داده است که نتایج آن به مرور ظاهر خواهد شد.

به گزارش تسنیم، محمد مخبر طی سخنانی در دانشگاه علم و صنعت با بیان اینکه امروز دولت برنامه‌هایی جدی برای توسعه و پیشرفت کشور آغاز کرده است، گفت: نیاز کشور به دانشگاه و دانشگاهیان برای دستیابی به توسعه و پیشرفت هیچ‌گاه به اندازه امروز نبوده و به همین دلیل نوک پیکان توطئه دشمنان به سوی دانشگاهیان کشور است.

وی با تأکید بر اینکه دشمنان کاملاً حساب‌شده تدارک سنگینی را برای ضربه زدن به کشور انجام داده‌اند، تصریح کرد: برای پاسخ به چرایی اقدام دشمنان بهترین گزینه تعبیر مقام معظم رهبری است که فرمودند «دشمنان آگاه شده‌اند که ایران در ریل پیشرفت قرار گرفته، به همین دلیل به دنبال ضربه زدن به ما هستند.»

مخبر با اشاره به سرمایه‌گذاری ۲۰۰میلیارد دلاری داخلی و خارجی در مسائل زیربنایی، عملیات پنج خط اصلی انتقال آب از دریا، فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی و توسعه حمل و نقل و ترانزیت در کشور ادامه داد: دولت در این مدت با وجود تحریم‌ها و مشکلات پیش‌رو، اقدامات و کارهای بزرگی انجام داده است که نتایج آن به مرور ظاهر خواهد شد.

وی با بیان اینکه تا امروز کشور را بر اساس درآمدها نظیر فروش نفت، مالیات و درآمدهای گمرکی اداره کرده‌ایم، تصریح کرد: باید بتوانیم کشور را با اتکا به دارایی‌ها اداره کنیم که در این صورت با واگذاری بخش اندکی از سهام دارایی‌ها، نقدینگی سرگردان کشور به سوی تولید و سرمایه‌گذاری هدایت خواهد شد.

معاون اول رئیس‌جمهور گفت: شنیده شدن صدای واحد از امتیازات ویژه دولت سیزدهم است و خوشبختانه هیچ اختلافی میان ما وجود ندارد و با برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های انجام‌شده نسبت به افق پیش روی کشور در آینده نزدیک امیدوار و خوشبین هستم.